

تئوریهای رشد کودک و سلامت روان

تغییراتی که در روح و روان کودک از زمان تولد تا سن بزرگسالی شکل می‌گیرد، عموماً نادیده گرفته می‌شود.



تغییراتی که در روح و روان کودک از زمان تولد تا سن بزرگسالی شکل می‌گیرد، عموماً نادیده گرفته می‌شود. موضوع "رشد کودک" اولین بار در آغاز این قرن برای یک سلسله کار پژوهشی مورد توجه قرار گرفت. اما این مقوله از منظر اختلالات مغزی بیشتر در فرهنگ اروپایی و امریکایی بررسی شده‌است. تعدادی از تئوریهای اساسی و مهم در زمینه رشد کودک، مانند آنچه توسط زیگموند فروید مطرح شده و همچنین مواردی درباره اهمیت چگونگی رشد کودک در شکل‌دهی بنیانی سلامت روحی بزرگسالی محقق و ثابت شده‌است. در برخی از این تئوریا که به نوعی برآمده از نتایج مشاهده و بررسی علل سلامتی کودکان بوده مثل تئوری پیاژه، به رشد قابل فهم و امکان دستیابی با توجه به رابطه بین رشد روانی کودک و محیط، تاکید ناچیزی شده‌است. در برابر این تئوریا، در مکتب روانشناسی مبتنی بر رفتارگرایی، اثر متقابل شخص و محیط، به عنوان یک مساله محوری مورد توجه قرار گرفته‌است. تئوریهای مربوط به رشد طبیعی، برای درک چگونگی درمان بیماریهای روانی و مشکلاتی که سلامت مغزی در کودکان و بزرگسالان را در معرض خطر قرار می‌دهند، جایگاه مهمی در بسیاری از دیدگاههای جاری دارند. این تئوریا صرفاً از توضیح قابل مشاهده اینکه چگونه بچه‌ها به حداکثر سلامتی دست می‌یابند؛ نتیجه نشده‌است. بیشتر مطالعات و تئوریهای جدید حاکی از آنند که با اصلاح باورها و افزایش توانایی‌ها برای رشد کودکان‌مان، می‌توان این مقوله را با بکارگیری اصول علمی، محقق ساخت.